معیار ثبوتی اهلال هلال در علم الهی؛ انعکاس نور هلال نود درجه‌ای به زمین

شاگرد۲: آن لحظه ثبوتی فی علم الله برای ما قابل کشف هست؟

استاد: اگر الله شویم بله! ای خداوند علم آن را افاده کند!

شاگرد۲: یعنی قابل کشف نیست؟

استاد: اینکه لحظه اهلال هلال را چطور معنا کنیم خیلی دقیق است؛ در این دخیل است. نمیدانم بحث اهلال هلال سر رسیدی ای در آخر کار نیمه کاره رها شد.

شاگرد۳: حدس میزنم در پس زمینه ذهن ایشان سؤالی هست؛ اینکه بین زوال و اهلال هلال فرق میگذارند. زوال کاری به ناظر ندارد. یک لحظه است. ولی هلال اینطور نیست؛ کسی که با ماه بچرخد اصالً هلال نیست. لذا به ناظر زمینی کار دارد. وقتی کار به ناظر زمینی دارد نمیتوانید اهلال هلال را از ناظر زمینی جدا کنید. آن وقت این سؤال پیش میآید که کدام ناظر مراد است؟ قوی یا ضعیف؟ مسلح یا غیر مسلح؟

استاد: تفاوت زوال با هلال و اهلال، اینکه شبهه خرمن در اهلال هلال میآید یا نمیآید، تشکیل هلال و صدق برخی از عناوین به اتصال و اجتماع است، اینها مطالبی است که یادم آمد مباحثه کردهایم.

شاگرد۳: اینها را فرمودید. ولی آیا فرمودید زوال با تشکیل هلال دارد یا ندارد؟ خلاصه این تفاوت را چطور میخواهید حل کنید؟ ذهن عرف عام از «اهل الهلال»، تشکیل هلال میفهمد، ناظر در آن نیست. ولی از آن طرف هم تشکیل هلال به ناظر زمینی بستگی دارد. ناظر زمینی یک نمونه از آن است، در کره دیگر هم همینطور است.

استاد: آن چه که فعلاً در ذهن من است، این است: اگر از نوری که طرف روشن ماه است، با حال اتصال یک قوس نود درجه به زمین ارسال شود، این اهلال هلال فی علم الله است. یک قوس نود درجه از طرف روشن ماه که این قوس نود درجه یک قوس متصل از نقاط نوری باشد، نه منفصل. لذا گفتیم اگر منفصل باشد هلال نیست. چند نقطه نور، هلال نیست. بلکه وقتی فی علم الله تعالی یک قوس نود درجه از نوری که از آن طرف میآید تشکیل شد، اهلال هلال است. ولو بشر هم خلق نشده باشد. ولی فی علم الله معلوم است که یک قوس نود درجه از اتصال نقاط نوری، نورش الآن به زمین میآید. بهطوریکه اگر چشمی باشد که بتواند این نور را درک کند و حس کند و قوه حاسه او آن را پردازش کند، میتواند آن را ببیند.

06:15

شاگرد: نکته نود درجه آن چیست؟ چرا هشتاد درجه نشود؟

استاد: به‌خاطر صدق هلال بود که به نصف دایره رسیدن، قطعاً شرط آن نیست؛ اقلش نود درجه است.

شاگرد۲: در سی درجه هم هلال تشکیل می‌شود. اگر انحناء کم باشد سی درجه می‌شود.

استاد: من قوس را می‌گویم، نه مقدار. مقدار غیر از قوس است. قوس نسبت است. دایره و قوس هر چه باشد، وقتی می‌گویی‌م نود درجه، نود درجه آن دایره مراد است. دیگر نمی‌توان این را کم و زیاد کرد.

شاگرد۲: یعنی عرف مردم به زیر نود درجه هلال نمی‌گویند؟

استاد: اتفاقا چهل و پنج درجه را مطرح کردم و به آن فکر کردم، دیدم سر نمی‌رسد.

شاگرد۲: فکر کردی که عرف به چه چیزی هلال می‌گویند، بعد دیدی که به آن هلال نمی‌گویند؟

استاد: بله. یعنی عرف هم روی ارتکازی، هلال می‌گوید.

شاگرد۳: اگر از تحت‌الشعاع گذر کرد و در هشتاد درجه هلالی درست شد، باز در اینجا اهلال صورت نگرفته؟ یعنی گذر صورت گرفته و آن آنی که ماه باید از تحت‌الشعاع خارج شود هم رفت، در آن آن اول این اتفاق نیفتاد، در این زمان اهلال صورت گرفته ای نگرفته؟

استاد: در این نود درجه‌ای که ما ضابطه معین می‌کنیم، ملاحظه می‌کنید که نود درجه، تقسیم کردن یک دایره است به چهار قسمت مساوی. اگر شما با گرادبا دایره مانوس بودید، وقتی یک چهارم می‌گفتید، صد گراد می‌شد. ولی یک چهارمش همان یک چهارم بود. اما اگر مثلاً قوس های پنج ضلعی منظم در یک دایره در بیاوری‌د، قوس هایی که رأس یک پنج ضلعی در یک دایره را تعیین می‌کند، آن وقت قوس ها کوتاه تر است. در اینجا هم خیلی مسلم نمی‌گویی‌م هلال نیست. چهار ضلعی، چهار نود درجه در می‌آورد. مربع در دایره، چهار نود درجه در می‌آورد. اما پنج ضلعی منتظم در دایره، حدود هفتاد و خوردهای می‌شود. من که نخواستم فی علم الله تعالی را بگویم. خواستم توضیح بدهم آن چه که قوام مقصود ما است، اتصال است و به حدی که آن اهلال باشد. نه صرف سه نقطه کنار هم قرار گرفته. مقصود ما این است؛ حالا اسم نود درجه را هم آوردی‌م.

شاگرد: این کاشف از عبور از تحت‌الشعاع است، و الا در نفس الامر اهلال به همان است، این اهلال کشف می‌کند که قمر از تحت‌الشعاع گذر کرده است، و آن موضوع نفس الامری دخول شهر است.

استاد: بله، روی این بیانی که من عرض کردم علی ای حال ما نمی‌دانی‌م، خدای متعال لحظه‌ای که اهلال هلال است را می‌داند. بلکه خدای متعال تمام لحظات قمر را چه به نحو کلی سیر خودش، و چه به نحو سیر خاص در هر دوره ی مشخص جزئی حقیقی‌اش می‌داند. خدای متعال همه اینها را می‌داند که خصوصیات قمر در چه حالتی است. شما اگر یک پردازش گر قوی داشته باشی‌د خیلی از اینها را به شما می‌گوید، ولو روی علم ناقص بشر. فی علم الله همه اینها روشن است؛ لحظاتی که اجزاء قمر، انوارش، تابش‌های آن، چه خصوصیاتی را افاده می‌کند و در تکوین آن چه اثری دارد، هست. ماه قمری هم با این خصوصیات شروع می‌شود. هر جا هست، موضوع آن است. آن چه که من عرض می‌کردم این بود که موضوع آن است.

بازبینی #2
ایجاد شده 29 آوریل 2026 11:56:44 توسط ... .

به روزرسانی شده 29 آوریل 2026 12:00:13 توسط ... .